

بررسی نقش معتمدین طوایف در تامین امنیت پایدار مناطق جنوب استان کرمان^۱

کوروش احمد یوسفی^۲، ابودر پایدار کلسنگ^۳، جلال میرزایی^۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۵/۱۶

از صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۸

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۳

چکیده

یکی از چالش‌های امنیتی کشور ایران؛ وقوع درگیری جمعی در مناطقی است که به لحاظ اجتماعی؛ ساختار طایفه‌ای دارند. نظام معتمدی که تا دهه ۱۳۴۰ نقش زیادی در تامین امنیت چنین فضاهاى جغرافیایی داشت اخیراً در معرض تحولاتی قرار گرفته است. چنین تحولاتی؛ تأثیراتی مستقیم بر وضعیت امنیتی مناطق مذکور دارد. هدف تحقیق حاضر؛ بررسی ساختار طایفه‌ای- فامیلی و نقش نظام معتمدی در تامین امنیت پایدار منطقه جنوب کرمان می‌باشد. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که نظام طایفه‌ای- معتمدی چه نقشی می‌تواند در تامین امنیت پایدار منطقه جنوب کرمان ایفا کند؟ تحقیق به لحاظ ماهیت؛ کاربردی و به لحاظ روش؛ تلفیقی از روش کیفی و پیمایش می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها؛ مصاحبه و پرسشنامه بوده، و از آزمون‌های آماری T، و همبستگی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه نمونه شامل ۱۰ نفر از سران طوایف، ۱۰ نفر از کارکنان کلانتری‌ها و قضات منطقه، و ۳۸۶ نفر از مردم محلی می‌باشد. نتایج نشان داد ساختار طوایف در حال بازتولید می‌باشد بگونه‌ای که در بخش زیادی از منطقه ساختار طایفه‌ای کمرنگ شده و در بخشی دیگر همواره پررنگ است. همچنین کیفیت عملکرد نیروی انتظامی و قضایی، و نیز ضعف ارزش‌های اجتماعی در بین مردم مهمترین عوامل موثر بر وقوع درگیری‌های جمعی در منطقه هستند. احیای نقش معتمدین در قالب نهادسازی جدید، به عنوان موثرترین روش کنترل درگیری‌های جمعی در منطقه پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه‌ها: ساختار طایفه‌ای- فامیلی، معتمدین، میانجی‌گری، امنیت پایدار، جنوب کرمان.

۱ - مقاله فوق برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی ساختارهای طایفه‌ای- فامیلی در جنوب شرق استان کرمان می‌باشد که تحت نظر دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی کرمان و به عنوان طرح خدمت سربازی ابودر پایدار انجام شده است.

۲ - ریاست دفتر تحقیقات نیروی انتظامی کرمان

۳ - عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) aboozarpaidar@gmail.com

۴ - عضو هیئت علمی دانشگاه شهیدباهنر

بیان مسئله

امروزه امنیت اساس توسعه پایدار محسوب می‌شود بگونه‌ای که شکوفایی تمامی بخش‌های اقتصادی، کالبدی، محیطی، و اجتماعی هر مکان جغرافیایی وابسته به میزان پایداری امنیت در آن فضای جغرافیایی می‌باشد. درگیری‌های جمعی بویژه درگیری‌های طایفه‌ای معضلی است که از قدیم در عمده مناطق کشور وجود داشته است. اگر چه امروزه مانند گذشته شاهد چنین درگیری‌هایی نیستیم اما در بعضی نقاط با سبک زندگی عشیره‌ای و طایفه‌ای هنوز ردپای چنین منازعاتی وجود دارد. علل و نمودهای چنین منازعاتی به تبعیت از تغییرات اجتماعی متحول شده است اما با این وجود، نزاع و درگیری هر از چندگاهی رخ می‌دهد و طیف گسترده‌ای از مردم را درگیر می‌سازد. در این میان، استان کرمان بلحاظ وقوع تعداد درگیری‌های جمعی (با ۳۱/۴ نفر در ۱۰۰ هزار نفر معادل ۰.۰۳ درصد از کل مردم) رتبه اول و بلحاظ وقوع قتل نفس (با ۴/۱ نفر در ۱۰۰ هزار نفر معادل ۰.۰۰۴ درصد از کل مردم)، رتبه دوم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است (میرفردی، ۱۳۹۰، ۲۰). یکی از موضوعاتی که در این زمینه بسیار مهم به نظر می‌رسد و بررسی آن ضروری می‌باشد نقش معتمدین محلی در پیشگیری، کنترل و حل این نزاع‌ها می‌باشد. معتمد (ریش سفید و سردار)^۱ به موقعیتی اجتماعی گفته می‌شود که جنبه غیررسمی و عرفی داشته و در ساختارهای طایفه‌ای و اجتماعات محلی به ایفای نقش در ابعاد مختلف زندگی مردم می‌پردازد. معتمدین که از گذشته تاکنون به انحای مختلفی در زندگی مردم نقش داشته‌اند در دهه‌های اخیر در معرض تحولاتی قرار گرفته‌اند. بررسی چنین تحولاتی همراه با تغییرات نهادی-سازمانی در جنوب کرمان هدف تحقیق حاضر است. همسو با اهداف مذکور و سوال اصلی؛ نظام طایفه‌ای-معتمدی چه نقشی می‌تواند در تامین امنیت پایدار منطقه جنوب کرمان ایفا کند؟ سوالات فرعی تحقیق بدین صورت مطرح می‌شوند:

- ۱- ساختار نظام طایفه‌ای و معتمدی جنوب کرمان در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟
- ۲- مهمترین علل وقوع وقوع ناامنی و درگیری در منطقه جنوب کرمان چه می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

- اسفندیار غفاری نسب و علی اصغر مقدسی (۱۳۸۳)، در تحقیق خود تحت عنوان؛ «مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار در استان فارس»، مسئله اشاعه و رابطه بین سنت و مدرنیته در طایفه دهدار را از دیدگاه‌هایی همچون مدرنیته پیوندی و بازاندیشانه، و جهان-محلی شدن مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد ارزش‌های متعلق به فرهنگ بومی نه تنها از میان نرفته‌اند، بلکه همچنان به حیات خود ادامه داده، با ارزش‌های مدرن درآمیخته، و ترکیبی پدید آورده‌اند که برخی آن را فرافرنگ نامیده‌اند.

- پورافکاری (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «تحلیلی بر تنش‌های قومی در ایران-کوهدشت» با استفاده از روش میدانی نتیجه گرفت ابعاد فرهنگی و اجتماعی ساکنان منطقه؛ مانند بی‌سوادی، عدم آشنایی به قانون، ضعف مالی، و تعصب قومی بر وقوع درگیری مؤثر بوده‌اند.

- حیدری و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیق خود تحت عنوان؛ «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه»، افراد معتمد و ریش سفید طوایف را یکی از مهمترین عوامل مرتبط با نزاع‌های دسته‌جمعی دانسته و به بررسی تاثیر پنج متغیر مستقل شامل: توانمندی و سرعت عمل پلیس؛ آگاهی و معلومات مردم؛ خلع سلاح عمومی؛ احکام صادره قضائی؛ افراد معتمد و ذی نفوذ طوایف، بر روی مدیریت انتظامی نزاع‌های جمعی مسلحانه در منطقه مورد مطالعه پرداختند.

- عادل و فرزین (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان؛ «بررسی علل نزاع‌های دسته جمعی استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر کارشناسان و اقشار گوناگون استان» به این نتیجه رسیده است که ساخت اجتماعی عشیره‌ای و قوم‌گرایی، و تعصبات طایفه‌ای در سطح استان وجود دارد، در شرایط فعلی نیز می‌تواند نظامی کارکردی در حل مسایل اجتماعی جامعه تلقی گردد و مبنای این شیوه را جلب مشارکت اقشار ذی‌نفوذ مردم و گروه‌های مرجع برای حل و فصل مرافعات و تعارض‌های اجتماعی می‌داند.

- میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱)، در پژوهش خود تحت عنوان؛ «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد» نشان دادند که جوانان، مردان، مجردها،

روستائیان و افراد دارای پایگاه اقتصادی پایین، به میزان بسیار بالایی در نزاع های دسته جمعی شرکت داشته‌اند.

- جفری^۱ و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیق خود تحت عنوان «تغییرپذیری محلی بارش و ساختار نهادی طایفه‌ای» دریافتند که میزان بارش، مالکیت منابع آب، خاک و در نتیجه میزان تولیدات کشاورزی تاثیر تعیین کننده‌ای روی ساختار درون طایفه و بین طایفه‌ای دارد. لذا پیشنهاد می‌کنند در راستای تعدیل و همگن سازی ساختار طایفه‌ای در کشور سودان بر توزیع منابع آب و خاک نظارت بیشتری توسط مسئولین دولتی و محلی صورت گیرد.

- موهیندرا^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیق خود تحت عنوان «میزان گرایش جوانان طوایف محروم هند به الکل و پیامدهای اجتماعی آن» دریافتند در طوایف حاشیه‌نشین و محروم هند به دلیل سلطه فرآیندهای نامناسب تاریخی- اجتماعی، زمینه‌های گرایش به الکل بسیار بالا است. به‌ویژه زیاده‌روی در مصرف در بین نسل جوان مقدمات ارتکاب جرم و ناامنی اجتماعی را فراهم نموده است.

- آیشاک^۳ و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود تحت عنوان «خشونت شرافتی در میان جوامع و طوایف کرد» نتیجه می‌گیرد خشونت نسبت به زنان، ریشه در ساختار طایفه‌ای و فرآیندهای تاریخی آن دارد. البته این تحقیق، به نقش ارزش والایی چون شرف، آبرو و اعتبار که در ساختار طایفه‌ای پررنگ هستند اشاره می‌کند، اما دفاع متعصبانه از ارزش‌ها را که همراه با صدمه به زنان است جایز نمی‌داند.

- بوس (۲۰۱۲) در تحقیق خود تحت عنوان «حقوق اجاره فردی، حقوق شهروندی، و برخوردهای ناشی از استفاده از منابع جنگل» دریافت دولت از طریق اجاره منابع جنگل به طوایف با حقوق برابر توانسته است امنیت جنگل و محیط زیست را تامین کند، نزاع‌ها را کاهش دهد و به طور کلی امنیت پایدار زیست محیطی، اجتماعی و واحد زیادی امنیت اقتصادی را برای شهروندان تامین نماید.

۱- Jeffrey

۲- Mohindra

۳- AishaK

با توجه به مسئله تحقیق، و پیشینه مطالعاتی موضوع می‌توان به اهمیت خود مسئله از یک سو و وضعیت خاص منطقه مورد مطالعه از سوی دیگر اشاره نمود. از یک سو تامین امنیت اجتماعی در داخل منطقه، نیازی اساسی است و از سویی دیگر تهدیدات خارجی نیز سعی دارند از فرصت‌هایی چون پیوندهای قومی، فرقه‌ای، طایفه‌ای و فامیلی سوء استفاده کنند. در شرایط حاضر کشور با جنگ نرم مواجه است و دشمنان سعی دارند از طریق نفوذ در ساختارهای فامیلی- طایفه‌ای و فعال کردن چنین شکاف‌هایی، به ایجاد ناامنی بپردازند. دوم اینکه وقوع درگیری‌های متعدد گروهی- طایفه‌ای در سال‌های اخیر امنیت شهروندان را در درون و بیرون طوایف به خطر انداخته است. سوم اینکه وجود مسائل متعدد اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی در منطقه جنوب کرمان که تا حد زیادی به وضعیت اکولوژیکی و انزوای جغرافیایی آن نیز بر می‌گردد باعث شده توسعه فرهنگی در این ناحیه، عقب بیافتد. لذا تحقیق حاضر این ضرورت را درک نموده است که از طریق موشکافی دقیق عوامل موثر بر وقوع درگیری‌های جمعی و ارزیابی کارایی ابزارهای مقابله با آن، مبنایی برای رفع چنین مسائلی فراهم نماید.

مبانی نظری تحقیق

منظور از نزاع؛ درگیری‌های جمعی و دعوای محلی است که بعنوان نوعی رفتار نامناسب جمعی بین طوایف، فامیل‌ها، اقوام، و گروه‌های مختلف صورت می‌گیرد (زال، ۱۳۸۹، ۵۲). نزاع‌های دسته‌جمعی معمولاً در جوامعی که ساخت و روابط سنتی و قبیله‌ای مبتنی بر زورمداری بوده و گرایش‌های سلطه‌جویانه و عصبیت وجود دارد بیشتر رخ می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۶، ۴۹۱). با این وجود؛ وساطت بزرگ‌ترها، مراسم ختم، وصلت، در دوران پس از درگیری یا دوره‌ای که درگیری کهنه می‌شود نقش اولیه را در کاهش و توقف نزاع‌ها دارد (زال، ۱۳۸۶، ۵۴-۵۲). از میان عوامل و نیروهای کاهش و توقف درگیری‌های جمعی نقش معتمدین، ریش‌سفیدان، و بزرگ‌ترها اساسی‌تر و راهبردی می‌باشد. چنین نقشی سابقه‌ای طولانی دارد اما در دهه‌های اخیر تحولاتی اساسی در آن رخ داده است. تحول در زمینه نقش معتمدین در مدیریت نزاع‌های جمعی، متناسب با مهمترین مراحل تحول در مدیریت کلان جامعه قابل تبیین

است. طبق دسته‌بندی مور^۱؛ در دوران پیش از تشکیل دولت-ملت^۲ ارتباط نهادهای محلی و دولت مرکزی دوسویه بوده است. با این شرایط، سازماندهی نهادهای محلی (کدخدایان، ریش‌سفیدان و اصناف) نشان دهنده نامتمرکز بودن ساختار قدرت سیاسی به معنای امروزی آن بوده است. در نتیجه: جامعه‌ای همگون با روابط محلی، نظارت درونی، و سازوکارهای ساده شکل گرفته بود که مدیریت اختلافات و نزاع‌ها را وابسته به شرایط عرفی و محلی می‌نمود.

در مرحله استقرار دولت-ملت، ابزارهای اجبارگونه حاکم بود و فرهنگ مدنی و شهروندی نهادینه نشده بود. عبارتی شرایط دوگانه ساختار حاکمیتی مدرن و بدنه اجتماعی سنتی که نمونه آن دولت پهلوی اول بوده است مشخصه این دوره است. قدرت رؤسای طوایف و قبایل ایران در این دوره به چند عامل بستگی داشت: وظیفه هماهنگ ساختن جابه‌جایی چادرنشینان و داوری در مناقشات شبانان و ایفای نقش میانجی‌گری با جامعه ایران و حکومت مرکزی. به بیان دیگر، مدیریت اختلافات هم مجالی برای مطرح شدن رؤسای طوایف و ایلات نزد مردم مناطق عشایری و حتی روستایی و همچنین نزد نهادهای حکومت مرکزی بود و هم این روسا به عنوان حاکمین و معتمدین محلی نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت اختلافات محلی داشتند، این مدیریت در اغلب موارد به پایان‌بخشی و مصالحه و در برخی موارد به تشدید و تداوم دسته‌بندی‌ها و مناقشات محلی منجر می‌شد.

مرحله نیمه‌سنتی- نیمه‌مدرن (حاکمیت نوین با آمیزه‌هایی از سنت و مدرنیته) به چندین زیر دوره تقسیم می‌شود. در دوره‌های نخست و دوم این مرحله (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲)، ملاکین و کلاتران محلی تا حد قابل قبول توجهی نفوذ خود را در اجتماعات محلی حفظ کرده بودند. به تدریج این قدرت محلی جای خود را به نهادهای نوین داد. «عمده‌ترین پیامد اصلاحات ارضی آن بود که دولت قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌داران در روستاها کرد. سپاه بهداشت، سپاه دانش، سپاه ترویج و آبادانی، سازمان دولتی نهادهای روستایی (تعاونی‌ها، خانه‌های انصاف، و...)، کنترل قیمت‌ها و

قدرت اجبارکننده ژاندارمری نیز هر یک به نوعی پایه‌های قدرت دولت مرکزی در روستاها را تحکیم نمودند»

مرحله چهارم مرحله نهادینه‌شدن فرهنگ مدنی و شهروندی می‌باشد. با وجودی که در این دوره زمانی، در کلانشهرها وضعیت مدنی و شهروندی بهبود یافته است، در اجتماعات محلی بسیاری از ویژگی‌های سنتی همچنان در رفتارها و مناسبات اجتماعی نقش دارند. با توجه به دسته‌بندی مور (Moore Ch, ۱۹۹۶)، هنوز هیچ نشانه‌ای از میانجی‌های مستقل وجود ندارد. مدیریت سنتی نیز در شرایط کنونی به دلایلی نفوذ پیشین خود را در مدیریت نزاع‌ها کاهش داد. در دوره دوم با ورود ساختار مدرن توسط نهادهای حکومتی، کارکرد انسجام اجتماعی بویژه در مناطق شهری تا حدی توسط نهادهای مدرن پیگیری شد و نهادهای مذکور بتدریج نقش نظارتی و کنترلی ریش‌سفیدان و نهادهای سنتی را برعهده گرفتند. تاسیس دادگستری در دوره رضاشاه بتدریج نقش معتمدین و رحانیون در حل و فصل اختلافات مردم را کم‌رنگ کرد. با این وجود، مناطق عشایری و روستایی در سطح موزونی با مناطق شهری به سمت نهادهای نوین نگروریدند و دوگانگی در سطح توسعه و دگرگونی در مناطق شهری و روستایی، در زمینه نوع مدیریت محلی به ویژه مدیریت اختلافات محلی نیز خود را نمایاند. در دوره پس از انقلاب و با کنار رفتن کدخدایان ساختار مدیریت محلی مناطق روستایی و عشایری دچار دگرگونی اساسی شد و نهادهای انقلابی و شوراهای اسلامی جایگزین مناسبات پیش از انقلاب شدند. مجموعه عواملی؛ مدیریت ریش‌سفیدان در نزاع‌های جمعی را دستخوش دگرگونی نمود و تا حد زیادی از نفوذ آنها در مدیریت نزاع‌های محلی کاسته شد که از آن جمله می‌توان به تفکیک ساختارهای اجتماعی و سیاسی، جایگزینی نهادهای مدرن به جای نهادهای محلی و سنتی، افزایش سطح تحصیلات، تحول در نظام‌های بهره‌برداری، برون‌گرایی مکانی و مهاجرت به مناطق شهری، گسترش فناوری‌های ارتباطی و تحول در نظام قشربندی سنتی اشاره کرد. البته این تحول در همه‌ی مناطق کشور یکسان نبوده است (میرفردی، ۱۳۹۰، ۱۹-۱۶).

نظریات مدیریت محلی، اجتماع محلی و میانجی‌گری ریش‌سفیدان (نظریات تفسیر کننده)

جوامع انسانی تحولاتی از بافت سنتی به بافت نو پذیرفته‌اند. اندیشمندان اجتماعی قرن‌ها پیش از شکل‌گیری علم جامعه‌شناسی، به تبیین این تحولات پرداخته‌اند. در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، کنت، دورکیم، تونیس، و ردفیلد این تحولات را محور مطالعات و نظریه‌پردازی‌های خود ساخته‌اند. ویژگی‌های مشترک همه این دیدگاه‌ها، ارائه سیمایی دوگانه از جوامع انسانی می‌باشد: سیمای سنتی و سیمای مدرن. در بافت سنتی جامعه ایرانی، مدیریت محلی و دولتی عهده‌دار امور زندگی مردم بوده است. معتمدین بعنوان کانونی محلی و غیررسمی در پیوند میان مردم و نهادهای حکومت نیز نقش آفرین بودند. با دگرذیسی‌هایی که در ساختار کلان جامعه رخ داده است، سازوکارهای نظارت و مدیریت نیز دستخوش دگرگونی شده‌اند (میرفردی، ۱۳۹۰، ۱۲-۱۱). طبق نظریه تونیس؛ جوامع برحسب نوع ارتباطات مردم با هم و نوع ارتباط مردم با مسئولین به دو دسته گماینشافت (جامعه قومی - طایفه‌ای با یکپارچگی مکانیکی) و گزالشافت (جامعه فردگرا و شهری با یکپارچگی ارگانیکی) تقسیم‌بندی شده‌اند. همچنین جامعه گماینشافت به عنوان یک جامعه‌ی آرمانی که سرشار از تقدس، هماهنگی و صلح و صفا است تلقی می‌شده است. گماینشافت در واقع همان اجتماع محلی است. ردفیلد نیز به شکل مشابهی جوامع را به دو دسته جامعه‌ی قومی و جامعه شهری تقسیم نمود که این دو جامعه از ویژگی‌هایی همانند گماینشافت و گزالشافت در دیدگاه تونیس برخوردارند (تقوی، ۱۳۵۶، ۱۵). در اجتماع محلی و جامعه گماینشافتی، برخوردها عمدتاً به صورت رودرو صورت می‌گیرد، و قراردادهای عرفی و رسمی نیز برای حل و مدیریت امور و مسئول وجود دارد. یکی از بهترین راهبردها در زمینه حل مسائل چنین جوامعی "میانجی‌گری" می‌باشد. دیدگاه‌های نظری پیرامون "میانجی‌گری" بر کارآمدی این سازوکار غیررسمی در زمینه نظارت اجتماعی در اجتماع محلی تأکید دارد. مور دیدگاه خود را تحت عنوان "میانجی‌گری: راهبردی عملی برای حل تضاد و درگیری" مطرح کرده و معتقد است میانجی طرف سوم هست که برای کنار آمدن طرفین مناقشه تلاش می‌کند. میانجی‌ها شامل: میانجی‌های شبکه اجتماعی، میانجی‌های مشروع دولتی، و میانجی‌های مستقل هستند. میانجی‌های شبکه‌های اجتماعی، همان افراد مورد احترام اجتماع هستند که با طرفین درگیری رابطه دارند. اگر چه آنها از نظر

جهت گیری، انسان‌های خنثی نیستند اما بعنوان افرادی منصف مدنظر می‌باشند. این دسته میانجی‌ها عموماً از طریق روابط اجتماعی پایدار و بلندمدت با اجتماع محلی شناخته می‌شوند. آنها معمولاً تا زمان دستیابی به توافق، در حالت مذاکره و چانه‌زنی با طرفین نزاع مرتبط هستند. میانجی‌های قانونی افرادی هستند که بخاطر موقعیت خود می‌توانند بر طرفین نزاع اعمال قدرت کنند. میانجی‌های مستقل نیز بخاطر ویژگی بی‌طرفانه بودنشان نسبت به طرفین تعریف می‌شوند (Moore, ۱۹۹۶, ۵۶).

به تبعیت از تحولات سنت تا پست‌مدرنیسم؛ نقش معتمدین بعنوان میانجی نیز تغییراتی یافته است. در مدرنیسم هر چه که رنگ و روی مدرن داشته باشد، پسندیده است و هرچه که جنبه سنت به خود بگیرد، بی‌ارزش است و باید به دور افکنده شود. مدرنیته معتقد به نظم واحد، قوانین واحد، و الگوهای واحد می‌باشد. طبق دیدگاه نوگرایی، سیاست و حکومت امری تک‌روایتی می‌باشد؛ بگونه‌ای که یک ابر روایت وجود دارد و نمی‌توان برای آن روایت‌های مختلف را پذیرفت. به عبارتی دیگر، حکومت و سیاست به یک مسیر واحد ختم می‌شود و تنها یک روایت در این زمینه وجود دارد که صحیح است. در زمینه روابط بین مردم و مسئولان حکومتی مدرنیسم معتقد است که:

۱- حکومت‌های بوروکراتیک؛ باید جای شیوه‌های سنتی نظم، امنیت، و حکومت بر مردم را بگیرد، و

۲- فرد، و فردگرایی باید جای جمع و جمع‌گرایی را بگیرد و مفهوم آزادی فردی بسط یابد.

در حالی که پست‌مدرن معتقد است در زمینه‌هایی مانند سیاست و حکومت مسیر واحدی بنام سیاست و حکومت وجود ندارد و می‌توان روایت‌های مختلفی را پذیرفت. پذیرش چندروایتی بودن سیاست و حکومت از سوی دیدگاه‌های پست‌مدرن تا حدی است که نقدهایی بر آن مبنی بر حرکت به سمت بی‌نظامی وارد شده است. مدرنیته به دنبال حذف برخی روایت‌های حکومتی و یک شکل کردن، واحد کردن و یکی کردن سیاست، علم، حکومت و ... است. در واقع گفتمان مدرنیته مبتنی بر مطلق‌نگری، سازمان‌دهی و نظم دادن مطلق در موضوع امنیت است در حالی که پست‌مدرنیسم بر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مختلف در تامین امنیت تاکید دارد.

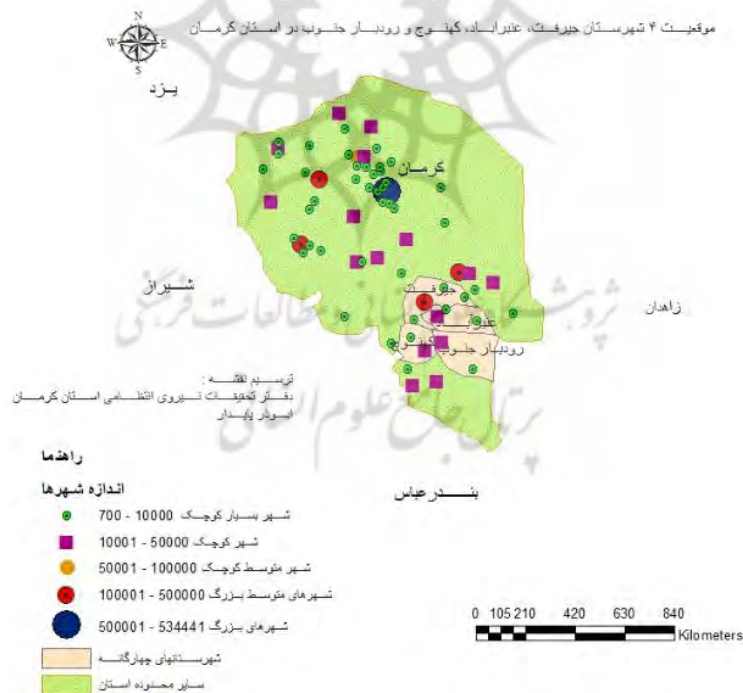
روش تحقیق و منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه شامل ۴ شهرستان عنبرآباد، جیرفت، کهنوج و رودبار جنوب می‌باشد که در نیمه جنوبی استان کرمان واقع شده‌اند. این منطقه از سمت شرق با ایرانشهر، و خاش، از جنوب با میناب و هرمزگان، از غرب با حاجی‌آباد و ارزوئیه، و از شمال با بخش شمالی استان کرمان همسایه است (جدول ۱).

جدول ۱- مختصات جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

عرض				طول			
درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
۲۹	۱۷	۲۸	۰۱	۵۸	۱۷	۵۷	۶۵
		شمالی تا		شرقی تا			

نقشه شماره ۱- نقشه منطقه مورد مطالعه



تحقیق حاضر از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی بوده و از روش‌های کیفی، و پیمایشی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، طوایف منطقه جنوب کرمان (طوایف و فامیل‌های ۴ شهرستان جیرفت، عنبرآباد، کهنوج و رودبار جنوب) می‌باشد. ابتدا داده‌های میدانی از طریق ابزار پرسشنامه و مصاحبه گردآوری شد و سپس کدگذاری و به نرم‌افزار SPSS وارد شدند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری تی تک‌نمونه‌ای و Anova (تحلیل تفاوت‌های معنادار)، استفاده شده است. حجم جامعه نمونه برابر است با ۳۸۶ نفر از افراد بالغ عضو طوایف و فامیل‌های این ۴ شهرستان. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (سه‌میه‌ای) و تصادفی می‌باشد بدین صورت که براساس بعد طایفه، به انتخاب تعدادی از افراد طایفه (افراد بالغ بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال) پرداخته شده است. نمونه‌گیری درون هر طبقه (طایفه و فامیل) به روش تصادفی می‌باشد البته سعی شده افرادی از اقشار مختلف، جنسیت‌ها، و افراد با سطح سواد متفاوت عضو جامعه نمونه باشند. سران و معتمدین فامیل‌ها و طوایف از طریق مصاحبه، و مسئولان انتظامی و قضایی (۱۵ نفر از قضات دادگستری و کارکنان کلانتری و نیروی انتظامی ۴ شهرستان) نیز با استفاده از یک پرسشنامه کیفی مورد تحقیق واقع شده‌اند. پرسشنامه بلحاظ روایی مورد تأیید کارشناسان و صاحب‌نظران علمی قرار گرفت و پاسخگویان نیز بدون برخورد با ابهام و پیچیدگی به تکمیل پرسشنامه پرداختند. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ بدست آمد که این مقدار ۰/۷۴ (بیش از ۰/۷) می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

بخشی اول یافته‌ها؛ حاصل از مصاحبه می‌باشد که پراکندگی و وضعیت طوایف جنوب کرمان در حال حاضر، جایگاه معتمدین در تامین امنیت منطقه و شیوه‌های ارتباط دولت با معتمدین را ارائه می‌دهد، بخش دوم یافته‌های حاصل از نظرسنجی کارکنان نیروی انتظامی، و بخش سوم یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای در مورد علل وقوع ناامنی و درگیری و عملکرد معتمدین و مسئولان دولتی از نظر مردم می‌باشد. در ادامه یافته‌ها بتفکیک برای پاسخ به سوالات ارائه می‌شود:

در راستای پاسخ به سوال اول تحقیق مبنی بر "ساختار نظام طایفه‌ای و معتمدی جنوب کرمان در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟" از یافته‌های حاصل از مطالعات اسنادی، مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است. در دوران مدرن دولت‌های متمرکز و قوی سعی نمودند از طریق پیاده‌سازی نهادهای دولتی خود وظیفه تامین امنیت را بر عهده گرفته و با تکیه بر توان نظامی و مالی خود به حذف نیروهای سابق بپردازند. در این دوران شعارهایی چون مرگ بر خان، و مرگ بر سردار داده شد بگونه‌ای که خیلی سریع جایگاه همه عناصر محلی اعم از ریش‌سفیدان و معتمدین که نقش مثبتی داشتند و خوانین و بزرگان که ساختار طبقاتی را در جامعه ایجاد کرده بودند تضعیف شد و به تبع آن جامعه محلی دچار نوعی عدم انسجام و گسیختگی گردید. دوره پست‌مدرن چندروایتی است یعنی در هر زمینه هر روایتی می‌تواند درست باشد، و با روش‌های مختلف می‌توان علم تولید کرد، حکومت کرد، و نظم ایجاد کرد. پست‌مدرنیسم، بر پراکندگی، تنوع‌گرایی، ناسیونالیسم و هویت ملی و طبقاتی همراه است. پست‌مدرنیسم در ابتدا به بی‌نظمی منجر شد نه تحقق کثرت‌گرایی. زیرا کثرت‌گرایی به معنای تغایر از هر جهت؛ و تنوع مطلق بدون جهت وحدت نیست. می‌توان گفت همانطور که آفت موج اول مدرنیسم؛ حصر‌گرایی شد، آفت موج دوم مدرنیسم (پست‌مدرنیسم آغازین) نیز نسبی‌گرایی و وقوع تغایر، بی‌نظمی و آشوب شد و لذا نوعی بن‌بست و معضلات امنیتی آشکار شد. در ابتدای پست‌مدرنیسم به بهانه تقسیم قدرت و دخالت تمامی عناصر جامعه؛ نوعی آشفتگی و هرج و مرج به ویژه از جانب فرقه‌های مذهبی افراطی و سنت‌گرا شکل گرفت. در مناطق جنوب ایران قدرت یافتن سران مذهبی نتایج منفی را در ابعاد داخلی و خارجی به همراه داشته است. دوره پس‌پست مدرن (دوران جدید) دوران تکیه بر کثرت‌گرایی روش‌شناسانه می‌باشد یعنی تنوع نهادهای امنیتی، زمینه‌سازی در راستای دخالت اجتماع محلی در راستای استفاده از ظرفیت‌های تمامی گروه‌های جامعه برای تامین امنیت، رویکرد تعاملی دولت و مردم محلی، پایش رفتار و عملکرد نهادهای دولتی، و اصلاح و پایش رفتار و عملکرد مسئولین محلی در راستای جلوگیری از وقوع هرج و مرج، بی‌نظمی و بی‌قانونی در جامعه بعنوان ویژگی‌هایی این دوران هستند. پس‌پست‌مدرنیسم برگشت به سنت نیست بلکه گذاری به دوران گذشته برای استفاده از تجربیات گذشتگان، احیای جنبه‌های مثبت نظام ریش‌سفیدی، و

استفاده از پتانسیل‌های نهفته در ساختارهای طایفه‌ای- فامیلی برای تحقق امنیت پایدار در منطقه جنوب کرمان است.

یافته‌های حاصل از مصاحبه با معتمدین محلی، بخشداران، و سایر آگاهان محلی نشان داد امروزه نظام طایفه‌ای و معتمدی در شهرستان‌های رودبار جنوب، کهنوج، و عنبرآباد، همچنان پابرجاست و از جایگاه ویژه‌ای در تامین امنیت محلی برخوردار است. منتها سبک رفتار و عمل معتمدین امروز نسبت به معتمدین قدیم تغییر یافته است. معتمدین جدید همسو با قوانین رسمی بوده و همکار نهادهای دولتی در تامین امنیت محسوب می‌شوند. در شهرستان جیرفت، و بخش‌هایی از عنبرآباد طوایف و فامیل‌ها در حال فروپاشی هستند، و نقش نظام معتمدی در تامین امنیت تضعیف شده است. شمار طوایف و فامیل‌ها در شهرستان جیرفت بسیار زیاد است، و تعداد آن به بیش از ۲۰۰ طایفه و فامیل می‌رسد. مصادیق نظام طایفه‌ای- فامیلی در جیرفت کم‌رنگ شده است. فقط در مسائل انتخاباتی، برخی کاندیدها؛ هر چند به صورت موقت احیاگر نظام طایفه‌ای- فامیلی می‌شوند، اما در مجموع مدیریت طایفه‌ای بویژه در زمینه نظم و امنیت در این شهرستان جایگاه خود را از دست داده است. در گذشته گستره وظایف معتمدین در این منطقه شمول زیادی داشت؛ بدین صورت که مسائل بین فردی (درگیری‌های دو عضو از یک طایفه یا دو عضو طایفه متفاوت)، مسائل درون خانوادگی (زن و شوهر یا والدین و فرزندان)، مسائل محله‌ای و فعالیت (اختلافات مردم محل)، مسائل بین طایفه‌ای و ناسازگاری‌های طایفه با نیروهای دولتی و سطح ملی را مدیریت می‌نمود. هم‌چنین در دوران سنت؛ پایبندی به حفظ ارزش‌های طایفه‌ای از جمله شرف، حیثیت، آبرو، شان و منزلت طایفه، همبستگی، سازش و سرافرازی طایفه، در میان مردم طایفه مهم بوده است. لذا برخلاف آنچه مدرنیته و طرفداران نوسازی معتقدند امروزه ساختارهای فامیلی- طایفه‌ای قابلیت و کارایی بالایی در تامین امنیت پایدار دارد. جدول ۲، نتایج آزمون On sample t-test را در زمینه نظرات مردم در مورد وضعیت و جایگاه طایفه و معتمد در عصر امروز نشان می‌دهد. طبق یافته‌های حاصل نتیجه می‌گیریم در صورتی که معتمدین؛ ارزش‌ها را رعایت کنند و دلسوز همه مردم باشند در نظر مردم جایگاه و ارزش والایی به ویژه در زمینه میانجی‌گری، ارشاد و راهنمایی در منطقه دارند.

جدول ۲- نتایج آزمون On sample t-test در زمینه نظرات مردم در مورد جایگاه طایفه و معتمدین

معناداری (sig)	اختلاف با حد مبنا (۵)	میانگین امتیاز	عبارات
.۰۰۲	-۱.۹۶۷	۳.۰۳۳	پابندی به فامیل، طایفه، و معتمد نشانه سنت‌گرایی است و امروزه باید کنار گذاشته شود
.۰۰۱	-۱.۹۴۷	۳.۰۵۳	جامعه امروز به سمت آزادی و فردگرایی رفته است و هر کس می‌تواند مسائل خود را حل کند
.۰۰۰	-۲.۲۶۷	۲.۷۳۳	امروزه رفتار و عملکرد معتمدین و سرداران جانبدارانه است و بر مبنای خیر عمومی نیست
.۰۰۱	-۲.۰۳۶۷	۲.۹۶۳۳	امروزه پیشرفت اجتماعی- فرهنگی بحدی است که دیگر معتمدین جایگاهی ندارند
.۰۰۱	-۲.۰۱۶۷	۲.۹۸۳۳	امروزه پیشرفت فرهنگی می‌طلبد بجای معتمدین و قوانین محلی، قوانین دولتی مسائل را حل کند
.۰۰۱	-۲.۰۶۶۷	۲.۹۳۳۳	معتمدین با مسائل متعصبانه برخورد می‌کنند و لذا باید قوانین اجتماعی توسط دولت اجرا شود
.۰۰۰	-۲.۲۶۶۷	۲.۷۳۳۳	میزان آگاهی معتمدین به روش حل مسائل ضعیف است، قانون نمی‌دانند و باید کنار گذاشته شوند
.۰۰۱	-۲.۱	۲.۹۰۰۰	معتمدین نسبت به مردم اعمال قدرت می‌کنند و به منظور حذف نابرابری، باید کنار گذاشته شوند
.۰۴۶۱	۰.۶	۵.۶۰۰۰	عملکرد بعضی معتمدین، باعث افزایش تعصبات طایفه‌ای می‌شود و باید کم‌کم کنار گذاشته شوند
.۰۴۹۶	۰.۴۳۳۳	۵.۴۳۳۳	ما احساس می‌کنیم معتمدین در معرض آفت‌هایی چون رشوه، پارتی‌بازی و رودربایستی قرار می‌گیرند و در حل مسائل عادلانه عمل نمی‌کنند
.۰۶۱	۰.۸۶۶۷	۵.۸۶۶۷	اگر معتمدین از بین افراد باتجربه و آگاه انتخاب شوند در حل مسائل موثرترند لذا باید حمایت شوند
.۱۱۲	۰.۹۳۳۳	۵.۹۳۳۳	اگر معتمدین به قوانین اجتماعی، فردی و ... آگاه باشند موثر عمل می‌کنند لذا باید حمایت شوند
.۰۵۵	۰.۹۶۶۷	۵.۹۶۶۷	اگر معتمدین ویژگی‌های اخلاقی خوبی داشته باشند موثر عمل می‌کنند لذا باید حمایت شوند
.۰۶۱	۰.۹۳۳۳	۵.۹۳۳۳	اگر معتمدین به آموزه‌های دینی پایبند باشند موثر عمل می‌کنند لذا باید حمایت شوند
.۰۴۵	۱.۰۶۶۷	۶.۰۶۶۷	اگر معتمدین افراد نجیب بوده، و ساده‌زیست و شریف باشند مورد پذیرش مردم هستند
.۰۳۷	۱.۱۳۳۳	۶.۱۳۳۳	اگر معتمدین با دولت همکاری کنند و نماینده مردم نزد دولت باشند مورد پذیرش مردم هستند
.۰۲۸	۱.۲	۶.۲۰۰۰	اگر معتمدین فعلی جذابیت، و شخصیت معتمدین سابق را داشته باشند مورد پذیرش مردم هستند

۰.۰۶۱	۰.۹۳۳۳	۵.۹۳۳۳	معتمدین، در صورتیکه رفتار و عملکرد خداخواهانه داشته باشند مورد پذیرش مردم هستند
۰.۰۹۵	۰.۵۶۶۷	۵.۵۶۶۷	آموزش و آگاهی اجتماعی تنها توسط معتمدین می‌تواند انجام شود
۰.۱۲۸	۰.۵	۵.۵۰۰۰	معتمدین افراد برتر هستند و اگر نباشند مردم اطاعت پذیری را کنار می‌گذارند
۰.۳۸۴	۰.۴۳۳۳	۵.۴۳۳۳	مردم دانش و آگاهی کافی ندارند و همیشه باید معتمدی باشد که مسائل را حل کند
۰.۷۹۵	۰.۱۳۳۳	۵.۱۳۳۳	مشکلات طایفه‌ای را معتمدین می‌توانند حل کنند، دولت، غریبه است و نمی‌تواند در مسائل طایفه دخالت کند
۰.۰۳۵	۰.۸۶۶۷	۴.۱۳۳۳	معتمدین امروز هر چه باشند مورد تائید ما هستند و به آنها اعتماد داریم
۰.۰۱۱	-۱	۴.۰۰۰۰	وجود معتمد خوب است چون قدرت زیادی دارد و همه از وی حرف شنوی می‌کنند
۰.۰۴۶	۰.۶۳۳۳	۴.۳۶۶۷	برای ما مهم نیست معتمد چه ویژگی‌هایی دارد؛ در هر صورت باید باشد و از وی پیروی شود

همچنین یافته‌های حاصل از نظرسنجی نشان داد بین افزایش سن و سطح تحصیلات با میزان پابندی به طایفه و نظام معتمدی همبستگی معناداری وجود ندارد (زیرا ضریب همبستگی معادل ۰.۰۸، و سطح معناداری بیش از ۰.۰۵ می‌باشد) و مردم محلی بدون ارتباط با وضعیت سنی، و تحصیلی خود، با جایگاه و ارتقای نظام معتمدی، طایفه‌ای و میانجی‌گری بزرگان محلی موافق بوده‌اند (ج ۳ و ۴).

جدول ۳- همبستگی بین سن پاسخگویان و جدول ۴- همبستگی بین سن پاسخگویان و اعتقاد به جایگاه طایفه، و نظام معتمدی

مقدار	مولفه	مقدار	مولفه
۰.۰۸۳	ضریب همبستگی پیرسون	۰.۴۰	ضریب همبستگی پیرسون
۰.۱۱۰	سطح معناداری	۰.۴۳۴	سطح معناداری
۳۷۳	تعداد جامعه نمونه	۳۸۰	تعداد جامعه نمونه پاسخ داده

در راستای پاسخ به سوال دوم مبنی بر "مهمترین علل وقوع وقوع ناامنی و درگیری در منطقه جنوب کرمان چه می‌باشد؟" از یافته‌های حاصل از نظرسنجی کارکنان کلانتری‌ها و قضات منطقه، و همچنین نظرسنجی از مردم محلی استفاده شده است. برحسب نتایج حاصل از نظرسنجی کارکنان کلانتری‌ها و قضات علل وقوع ناامنی در منطقه بترتیب چنین بیان شد: ۱- علل فرهنگی و اجتماعی (تعصبات ناموسی، کینه طایفه‌ای، و تضعیف ارزش‌های اجتماعی)، ۲- علل اقتصادی، ۳- علل محیطی، و ۴- علل

کالبدی. همچنین جدول ۵، علل و عوامل موثر بر وقوع درگیری‌ها و ناامنی در منطقه را از نظر مردم نشان می‌دهد. داده‌ها از طریق آزمون T تک نمونه‌ای تحلیل شد. حد مبنای اثرگذاری ۳ می‌باشد. باتوجه به نتایج اختلاف مقدار محاسبه‌شده با حد مبنا (۳)، می‌توان گفت عوامل مرتبط با عملکرد نیروی انتظامی و سازمان‌های قضایی و در درجه بعدی عوامل اجتماعی چون تضعیف و عدم پابندی به ارزش‌های اجتماعی مهمترین عوامل موثر بر وقوع ناامنی و درگیری در منطقه می‌باشند.

جدول ۵- علل و عوامل موثر بر وقوع درگیری و ناامنی در منطقه جنوب کرمان

ردیف	عامل	مقدار محاسبه شده	اختلاف مقدار محاسبه شده با حد مبنا	اولویت تاثیر
۱	پایین بودن میزان درآمد افرادی که به درگیری می‌پردازند	۲.۷۲۴۷	-۰.۲۷۵۳	
۲	کمبود شغل و یا نامناسب بودن شغل‌ها	۲.۹۷۹۰	-۰.۰۲۱	
۳	نامناسب بودن محیط کار	۲.۹۷۱۱	-۰.۰۲۸۹	
۴	نامناسب بودن محل سکونت مردم به لحاظ ظاهری	۲.۹۷۸۹	-۰.۰۲۱۱	
۵	کیفیت نامناسب محلات مکان سکونت	۳.۰۲۶۱	۰.۰۲۶۱	
۶	کیفیت نامناسب آب و هوای منطقه	۲.۹۹۷۴	-۰.۰۰۲۶	
۷	وقوع کم آبی و خشکسالی در منطقه	۳.۰۹۶۱	۰.۰۹۶۱	
۸	طبیعت خشن منطقه به لحاظ ظاهری، طوفان و ...	۲.۹۷۹۱	-۰.۰۲۰۹	
۹	تعصبات طایفه‌ای- فامیلی	۳.۹۸۹۶	۰.۹۸۹۶	۲
۱۰	نامناسب بودن محیط آموزشی	۳.۱۸۸۵	۰.۱۸۸۵	
۱۱	سست شدن پیوندهای خانوادگی	۳.۲۳۳۰	۰.۲۳۳	
۱۲	سست شدن پیوندهای فامیلی- طایفه‌ای	۳.۵۱۵۵	۰.۵۱۵۵	۱۲
۱۳	تاثیر مخرب گروه‌های دوستی	۳.۲۷۲۵	۰.۲۷۲۵	
۱۴	ضعف اصالت در بین گروه‌هایی که به درگیری می‌پردازند	۳.۶۷۳۷	۰.۶۷۳۷	۹
۱۵	عدم جدیت در عملکرد نیروی انتظامی	۴.۰۰۲۶	۱.۰۰۲۶	۱
۱۶	عدم جدیت در عملکرد سازمان‌های قضایی	۳.۹۴۷۶	۰.۹۴۷۶	۳
۱۷	شیوه نامناسب برخورد نیروی انتظامی و سازمان‌های قضایی با طرفین	۳.۸۲۸۶	۰.۸۲۸۶	۴
۱۸	کاهش ابهت نیروی انتظامی در نظر مردم	۳.۷۸۹۶	۰.۷۸۹۶	۵
۱۹	ضعف عملکرد معتمدین و ریش سفیدان	۳.۶۷۷۲	۰.۶۷۷۲	۸
۲۰	عدم پابندی مردم به نقش میانجی معتمدین و ریش سفیدان	۳.۵۶۵۲	۰.۵۶۵۲	۱۱

۲۱	عدم پایبندی مردم به ارزش‌های دینی و معنوی	۳.۶۵۱۵	۰.۶۵۱۵	۱۰
۲۲	عدم پایبندی مردم به ارزش‌های اجتماعی مانند احترام به بزرگترها	۳.۶۸۱۷	۰.۶۸۱۷	۷
۲۳	عدم پایبندی مردم به ارزش‌های اجتماعی مانند احترام به اهل علم	۳.۱۵۹۷	۰.۱۵۹۷	
۲۴	تضعیف ارزش‌های اجتماعی مانند آبرو، و حیثیت طایفه‌ای نزد مردم	۳.۷۵۵۲	۰.۷۵۵۲	۶
۲۵	آشنایی ضعیف مردم نسبت به حقوق خود و دیگران	۳.۲۵۹۴	۰.۲۵۹۴	

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

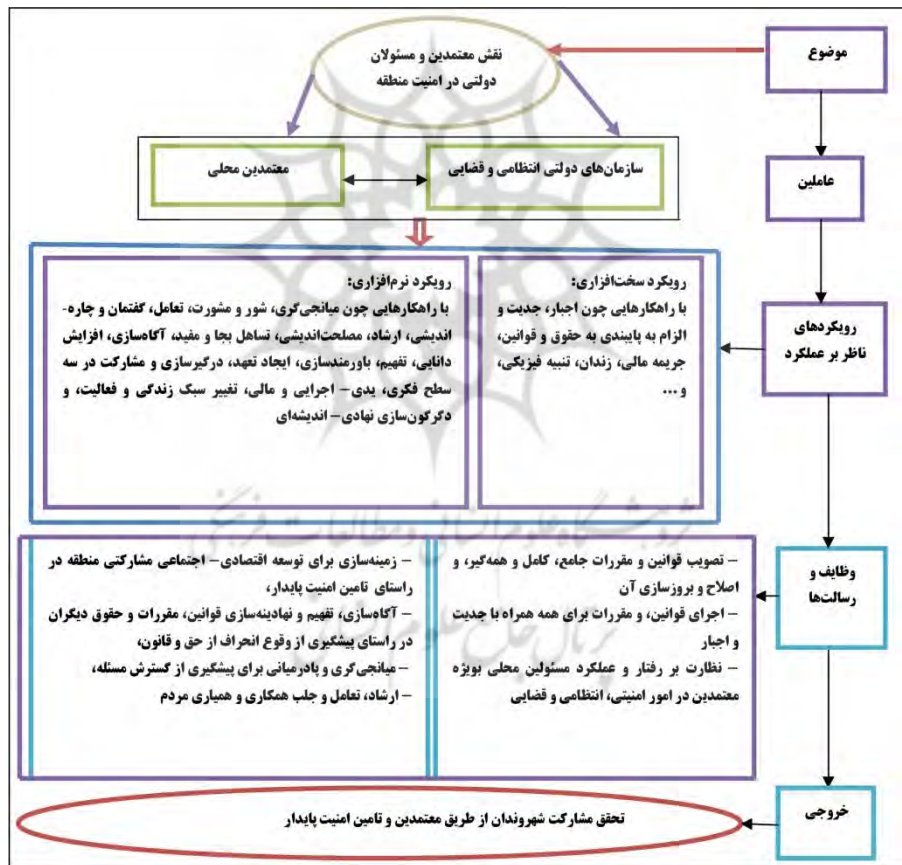
نتایج تحقیق نشان داد ساختار نظام طایفه‌ای و معتمدی در دهه‌های اخیر در معرض تحولاتی قرار گرفته است و در حال حاضر نیز از جایگاه، مقبولیت و کارایی مناسبی در منطقه جنوب کرمان برخوردار است. منتها جایگاه معتمدین در گذشته تاکنون تغییراتی اساسی پیدا کرده است. چنین تغییراتی به تبعیت از بازساخت جامعه محلی و روابط اجتماعی صورت گرفته است. معتمدین در گذشته حوزه اثرگذاری گسترده‌تری داشتند و از آنجاییکه نهادها و ادارات دولتی در منطقه حضور کم‌رنگی داشتند بر تمامی ابعاد زندگی مردم نظارت داشتند. همچنین به تبعیت از وسعت دامنه و عمق ارتباط در جامعه محلی، جایگاه معتمدین مورد پذیرش تمامی مردم بود. از دهه ۱۹۴۰، گسترش تشکیلات دولتی از یک سو و تلاش عمدی برای تضعیف جایگاه ریس‌سفیدان محلی، زمینه‌های کاهش انسجام جامعه محلی را فراهم نمود. بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌های ارزنده‌ای برای احیای جایگاه و نقش معتمدین صورت گرفته است اما کافی نیست و تلاش و برنامه‌ریزی بیشتر در این زمینه ضروری است. امروزه جایگاه معتمدین تفاوت‌های ساختاری با گذشته دارد. در گذشته معتمدین صرفاً در چارچوب عرف و قوانین غیررسمی محلی عمل می‌کردند اما امروزه آگاهی و پیروی از قوانین رسمی و همسویی با قوانین و حقوق شهروندی لازم است. در گذشته معتمدین یا به تنهایی به مدیریت امور و نظارت بر زندگی مردم می‌پرداختند و یا با نهادهای دولتی معدودی همکاری داشتند اما امروزه تمامی ابعاد زندگی مردم در حیطه وظایف تشکیلات نهادی دولتی است و معتمدین همکاران ارزشمندی برای مسئولین دولتی بویژه در زمینه امنیتی و انتظامی هستند.

همچنین نتایج نشان داد عوامل اجتماعی و عوامل مرتبط با عملکرد سازمان‌های انتظامی و قضایی بعنوان دلایل اصلی وقوع درگیری و ناامنی در منطقه مطرح هستند. لذا براساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت رویکرد مطلوب برای کنترل درگیرهای جمعی و ناامنی در منطقه جنوب کرمان؛ رویکرد مشارکتی بین مسئولین دولتی و معتمدین محلی است. بر این اساس دولت و کارکنان سازمان‌های انتظامی و قانونی باید در کار خود بسیار جدی باشند و رویکرد سخت‌گیرانه را نسبت به مجرمان در پیش گیرند. زیرا طرح‌های پدافندی، مسلح شدن، و زور و اجبار در رابطه با جرم و مجرمان همیشه الزامی است. در کنار کارکنان دولتی و مکمل با نقش آنها، معتمدین قرار می‌گیرند که رویکرد نرم و میانجی‌گری را در پیش بگیرند. مسئولان انتظامی و قضایی باید در کار خود بسیار جدی باشند، و سعی کنند روابط خود را با سران محلی (در مقیاس طایفه، فامیل، و...) افزایش دهند و عمیق‌تر کنند. مطلوب است که تعامل و هم‌افزایی دولت و معتمدین باعث پیش‌گیری از وقوع درگیری و ناامنی شود زیرا هم سست‌گیری و هم مچ‌گیری خطا می‌باشد. ضمن اینکه باید بگونه‌ای عمل شود که معتمدین از حساسیت‌های مذهبی به دور باشند و نظارت بر رفتار سران صورت گیرد. همچنین نحوه دخالت مسئولان و نهادهای دولتی در نظام معتمدی باید اصلاح شود زیرا در حال حاضر اشکالاتی دارد: ۱- در نظارت بر رفتار و اعمال معتمدین محلی و مردمی، باید موثرتر عمل کنند، ۲- در بعضی موارد در انتخاب و عملکرد معتمدین دخالت غیرموثر می‌کنند، ۳- نحوه ارتباط با معتمدین و استفاده از آنها در امور امنیتی و سیاسی را به خوبی نمی‌دانند، و ۴- نحوه پاداش‌دهی به معتمدین مناسب نبوده و تاکنون بیشتر امتیازدهی پیش از عمل انجام شده است.

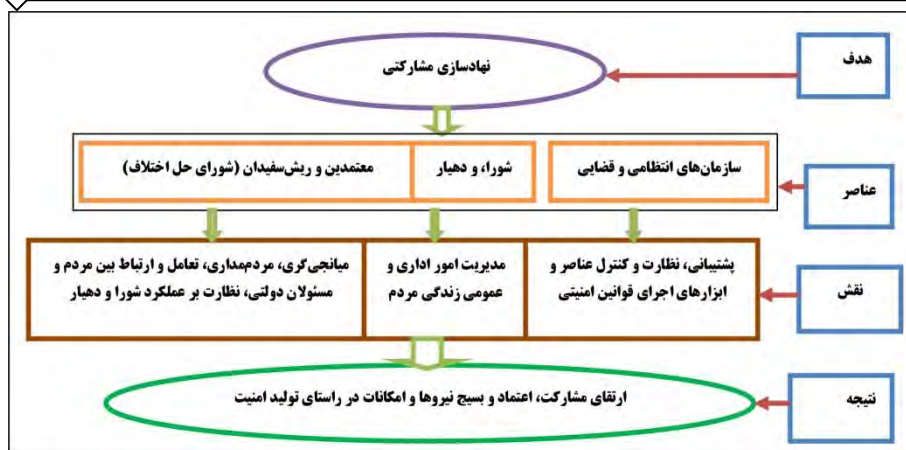
لذا می‌توان گفت ترکیبی از الگوی سنتی و جدید در قالب یک نهادسازی مشارکتی، موثرترین روش کنترل درگیرهای جمعی در منطقه جنوب کرمان می‌باشد. براساس نتایج حاصل می‌توان الگوهای نظری و راهکارهای عملی را در زمینه نقش معتمدین در تامین امنیت پایدار منطقه ارائه داد.

الگوهای نظری: اگر چه امروزه بعضی طایفه‌ها از هم جدا شده‌اند و در فضاهای جغرافیایی شهری و روستایی دیگر پراکنده شده‌اند اما همچنان نوعی همگرایی و انسجام ظاهرا نامرئی بین اعضای طوایف و فامیل‌های منطقه جنوب کرمان وجود دارد. مصادیق

این نوع همگرایی را می‌توان در مراسم عزاداری و جشن‌های عروسی و همچنین در مسائل سیاسی چون انتخابات مشاهده نمود. به طور کلی می‌توان گفت بهترین رویکرد در تامین امنیت فضاهای جغرافیایی منطقه جنوب کرمان، اعمال قوانین سخت‌گیرانه بیرونی همراه با برخورد نرم و مشورتی درونی می‌باشد. در این صورت، اعتبار سران محلی بین مردم افزایش می‌یابد و نقش آنها نزد مردم نهادینه می‌شود. همچنین جرائم به بهترین نحو پیش‌گیری می‌شود. و در صورت وقوع جرم؛ در کمترین زمان با کمترین هزینه کشف می‌شود، اثبات می‌شود و با مناسب‌ترین شیوه با مجرمین برخورد خواهد شد. می‌توان در راستای تقسیم کار بین معتمدین و سازمان‌های دولتی به ارائه الگویی پیشنهادی پرداخت (شکل ۱ و ۲).



شکل ۱- الگوی ارائه شده بعنوان چارچوبی برای نقش معتمدین و مسئولان دولتی در تامین امنیت منطقه



شکل ۲- الگوی نهادسازی مشارکتی برای تولید امنیت در منطقه جنوب کرمان

راهکارهای عملی و اجرایی برای احیای نقش معتمدین و تأمین امنیت پایدار منطقه

- افزایش نقش ریش‌سفیدان در تشکیلات جدید مدیریت محلی (شورا، شهردار، دهیار، و شورای حل اختلاف)، زیرا تجربه و دانایی ظرفیتی بر دانش رسمی و آکادمیک مقدم و ارجح می‌باشد.

- جلوگیری از انحصاری شدن ریش‌سفیدی در طوایف و فامیل‌ها و تلاش برای استفاده از تمامی افراد بانفوذ و آگاه طوایف. این امر می‌تواند از طریق دخالت تمامی افراد آگاه و بانفوذ طوایف در تأمین امنیت منطقه بکار گرفته شود. مطلوب است شبکه‌ای از معتمدین اصلی و فرعی ایجاد شود و حوزه جغرافیایی فعالیت آنها مشخص شود. تعاملات و ارتباطات درون این شبکه باید افزایش یابد. از آنجایی که امروزه اکثر طوایف با یکدیگر پیوند خورده‌اند تعامل بین آنها آسانتر انجام می‌شود.

- افزایش نقش رسانه و ارتباطات مجازی در زمینه تقویت پیوندهای طایفه‌ای - فامیلی. همان طور که لازم است کانون خانواده حفظ شود و مستحکم بماند ساختار طایفه نیز نوعی خانواده بزرگ مقیاس می‌باشد که نباید اجازه داد در گذر زمان کم‌رنگ شود. همانطور که یک خانواده ارزش‌هایی دارد و در سایه نظارت پدر و مادر، فرزندی مومن، آگاه و مفید برای جامعه تربیت می‌شوند هر طایفه نیز برای خود

ارزش‌هایی دارد و مردم آن طایفه تلاش می‌کنند با الگوپذیری از یکدیگر، عنصر مفیدی برای طایفه خود باشند.

- تاکید بر پیوندهای طایفه‌ای- فامیلی و قومی بجای پیوندهای مذهبی. برای اینکه از مسائل مذهبی و بروز تفرقه در منطقه جلوگیری شود لازم است مسئولان مذهبی در امور حکومتی و سیاسی- امنیتی دخالت داده نشوند. منطقه جنوب کرمان هم مرز با استان سیستان و بلوچستان زادگاه و سکونتگاه قوم بزرگ بلوچ است که از دهه‌ها طایفه بزرگ و کوچک تشکیل شده است. عمده طوایفی که در استان کرمان ساکن هستند بخشی از آنها نیز در استان سیستان و بلوچستان ساکن است مانند طایفه ناروئی، گرگندی، و ... در صورتی که سران مذهبی مسئول ارتباطات و هماهنگ کننده شبکه‌های اجتماعی در منطقه باشند روابط بین عناصر چنین طوایفی کاهش می‌یابد و آسیب می‌بیند اما در صورتی که سرداران هماهنگ کننده باشند چنین روابطی تقویت می‌شود و افراد طایفه را از هر مذهبی که باشند در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

- اختصاص تعدادی از سهمیه شورایی به معتمدین در شورای اسلامی شهر و روستا. مطلوب است که شورای هر محل ترکیبی از دانش رسمی (جوانان تحصیلکرده) و دانش تجربی و عرفی (ریش سفیدان) را در خود داشته باشد تا هم از دانش، توانمندی، و انگیزه جوانان استفاده شود و هم از تجربیات ارزشمند ریش سفیدان. حضور ریش سفیدان در شورای اسلامی محل از بروز اختلافات بین شوراها، دهیار، شهردار، و مردم با یکدیگر جلوگیری می‌کند.

- اختصاص حداقل ۵۰ درصد سهمیه شوراها حل اختلاف به ریش سفیدان. جوانان تحصیل کرده که به حقوق و قوانین مسلط هستند نیز باید در این ساختار وارد شوند.

- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی در زمینه آموزش حقوق و قوانین شهروندی برای معتمدین.

- برگزاری همایش‌هایی به مناسبت‌های مختلف ملی و مذهبی بین سران طوایف (مذهبی و غیرمذهبی).

- تشکیل و توسعه پایگاه‌های بسیج محلی برای استفاده در شرایط اضطراری. جوانان طوایف که از توانایی جسمی و فکری بیشتری برخوردارند می‌توانند از طریق معتمدین شناسایی شوند و مورد گزینش قرار بگیرند تا دسته‌های رزمی را تشکیل دهند و در شرایطی که سازمان‌های انتظامی و قضایی دولتی اجازه دهند در اختیار معتمدین قرار بگیرند.
- بسیج مردم در قالب کمیته‌های مدیریت و حفاظت منطقه، تحت نظارت و همراهی ریش‌سفیدان،
- اجرای برنامه‌های آگاه‌سازی، توجیه‌سازی و آشناسازی مردم با حقوق و قوانین شهروندی به منظور افزایش سرمایه انسانی و آگاهی مردم،
- برخورد جدی دستگاه‌های انتظامی و قضایی با مجرمان و مخلان امنیت،
- خودداری از اعطای امتیازات مالی به ویژه زمین به معتمدین، نظارت بر کار معتمدین و جلوگیری از دخالت آنها در مسائل زمین‌داری، تجارت و معاملات رسمی و غیررسمی.

منابع

- پورافکاری، نصرالله (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی. مجموع مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران.
- تقوی‌نسب، مجتبی (۱۳۸۶). بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و ملی در میان اعراب شهرستان اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، شیراز، دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی.
- حیدری، محمد؛ اسلام‌پناه، نورعلی؛ لشکری، علمدار (۱۳۸۶). عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال دوم، شماره چهارم، ۴۸۹-۵۰۰.
- زال، محسن (۱۳۸۹). عقل نزاع؛ انسان شناسی درگیری‌های طایفه‌گی در یک روستا. مجله انسان‌شناسی، سال ۸، شماره ۱۲، ۷۷-۵۱.
- عادل، علیرضا؛ آبده‌گاه، احسان (۱۳۹۰). بررسی نقش ریش‌سفیدان و معتمدین در نزاع‌های دسته‌جمعی از دیدگاه مردم شهرستان گچساران. دفتر تحقیقات فرماندهی انتظامی کهگیلویه و بویراحمد، انتشارات زیتون سبز.
- غفاری نسب، اسفندیار و مقدسی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار. مجله انسان‌شناسی، شماره ۵، صص ۱۶۹ تا ۱۹۶.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۰). تحلیلی جامعه‌شناختی بر سیر دگرگونی در نقش معتمدین در پیشگیری و مهار نزاع‌های جمعی در ایران. دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی کهگیلویه و بویراحمد، انتشارات زیتون سبز.
- میرفردی، اصغر؛ صادق‌نیا، آسیه (۱۳۹۱). گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد. فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم.
- Aisha K. G, Nazand .B, Gill Hague (۲۰۱۲), Honor -based violence in Kurdish communities Women's Studies International Forum, n۳۵, University of Roehampton, London, United Kingdom.
- Jeffrey B. Nugent, Nicholas Sanchez (۱۹۹۹), the local variability of rainfall and tribal institutions: the case of Sudan, journal of economic behavior & organization, vol. ۳۹, ۲۶۳-۲۹۱.

- K.S. Mohindra. D. Narayanac, S.S. Anushreedha, Slim Haddadb(۲۰۱۱), Alcohol use and its consequences in South India: Views from a marginalized, tribal population, Drug and alcohol Dependence ۱۱۷, ۷۰-۷۳ .
- Moore Christopher (۱۹۹۶), the mediation process: practical strategies for resolving conflict, ۲ nd ed, san francisco: Jossey- Bass publication.
- Purabi Bose (۲۰۱۲), Individual tenure rights, citizenship, and conflicts: Outcomes from tribal India s forest governance, Forest policy and economics, pp۱-۹.

